

سرمقاله

افغانستان و فقدان استراتژی صلح

حفيظ الله ذكي

سومين نشست چهار جانبه امروز در اسلام آباد برگزار می شود. اميد است در اين نشست نقشه راه صلح نهايي شود و کار عملي در راستای مذاکرات صلح آغاز شود. در همین حال کشورهای کمک کننده از جمله آمریکا، بریتانیا و جاپان کمک های خود را به شورای عالی صلح افغانستان به حالت تعلیق درآورده اند. شورای عالی صلح چند سال قبل با دستور رییس جمهور پیشین به منظور پیشبرد روند صلح و مذاکره با مخالفان مسلح تشکیل شد؛ اما این شورا از همان آغاز با اشکالات و انتقادات جدی مردم و کارشناسان مواجه گردید. از همان آغاز پیش بینی می شد که این شورا با ساختار فرسوده و ناکارآمد خود نمی تواند کار مثبتی در زمینه صلح انجام دهد. اما باهمه انتقادات این شورا به کار خود ادامه داده و تا هنوز میلیون ها دالر از حساب دولت برای مصارف و معاشات هنگفت اعضای شورا هزینه شده است.

شورای عالی صلح نه خودش تعریف درستی از خود داشت و نه در طی چند سال گذشته از مخالفان یک تعریف دقیقی ارائه توانست. این شورا حتا یک استراتژی و برنامه برای صلح تدوین نتوانست و یک چارچوب فرضی برای مذاکرات صلح تعیین نکرد. از نظر مردم افغانستان این شورا جز هدر دادن پول و امتیاز دادن به مخالفان مسلح کوچکترین دستاوردی در تاریخ تشکیل خود نداشته است. با تشکیل حکومت وحدت ملی مردم امیدوار بودند که این شورا لغو شود و خود حکومت استراتژی صلح را در قالب سیاست های کلان حکومتی به پیش ببرد.

اشتباه حکومت در این است که همواره جنگ را یک مشکل داخلی پنداشته و مخالفان مسلح را برادران ناراضی و یا مخالفان سیاسی دانسته است. اگر جنگ افغانستان ابداً داخلی می داشت، شاید شورای عالی صلح می توانست در عرصه رابرتی و تشویق مخالفان به گفتگوهای سیاسی مؤثر می افتاد؛ اما بدبختانه که جنگ افغانستان ریشه در سیاست ها و رقابت های بین المللی و منطقه ای دارد و تنها یک نهاد نمی تواند از عهده این مسؤلیت بزرگ برآید.

اکنون که حکومت درک کرده است که کار صلح و مصالحه با مخالفان باید فراتر از جغرافیای افغانستان به جریان بیفتد و براساس همین درک نشست چهار جانبه صلح کارش را به صورت فشرده شروع کرده است، دیگر برای ادامه کار شورای عالی صلح توجیهی باقی نمانده است.

در شرایطی که مردم افغانستان در فقر و بیکاری به سر می برند و میلیون ها انسان به کمک های فوری کشورهای خارجی نیازمند می باشند، تشکیل و ادامه کار نهادهای موازی، ناکارآمد و پر مصرف می تواند ضربه بزرگی به اقتصاد کشور وارد کرده و فشارهای مضاعفی را بر مردم تحمیل نماید.

مشکل افغانستان مشکل داخلی نیست؛ بلکه این مشکل ریشه در اختلافات میان کشوری و منافع متضاد منطقه ای و بین المللی در مورد افغانستان دارد. تا زمانی که این اختلافات حل نشود و منافع مشروع کشورها بر محور منافع مشترک سامان نیابد، تمام تلاش های شورای عالی صلح و حتا حکومت افغانستان ناکام خواهد ماند. حکومت وقتی می تواند که مسأله صلح با مخالفان را به صورت درست مدیریت کند که جنگ افغانستان را در یک چوکات وسیع تر مورد تحلیل قرار دهد و از مخالفان مسلح یک تعریف دقیق تر و روشن تر ارائه دهد. اعضای گروه های هراس افکن ممکن است اکثر شان به جغرافیای افغانستان تعلق داشته باشند، اما نقش اصلی را در این بازی افراد، حلقات و کشورهای خارجی به عهده دارند و آنها هستند که جریان های هراس افکن را مطابق سیاست ها و خواسته های شان به حرکت در می آورند. از اینرو جنگ و صلح در افغانستان تنها به عوامل داخلی مربوط نمی شود، تا شورای عالی صلح در آن نقش بازی کند. تنها نهادی که می تواند این پروسه را مدیریت کند، حکومت افغانستان است. حکومت هم زمانی می تواند در این عرصه موفق باشد که از تمامی ظرفیت های خود در راه صلح و امنیت کشور استفاده کند.

اگر اوضاع جاری را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهیم، در خواهیم یافت که کشور از جنبه های مختلف، بخصوص وضعیت امنیتی همیشسه شرایط بدتری را در پیش گرفته است. عناوین گزارش ها و خبرها حکایت از آن دارد که همه چیز در حال بدتر شدن است. روزه های امید اندک اندک بسته می شود؛ بطور نمونه به این عناوین توجه گردد واقعا چه چیزی جز نگرانی می توان از آن استنباط نمود: بدترین سال برای خبرنگاران، خشونت بار ترین سال برای افراد ملکی، دشوارترین سال برای نیروهای امنیتی، خونین ترین سال برای مردم، افزایش خشونت های خانوادگی و خشونت بر زنان، افزایش سریع و تکان دهنده بیکاری، فرار سرمایه ها از کشور و...

حکومت وحدت ملی از هنگام روی کار آمدن همواره بر سختی و دشواری های هر سال تاکید ورزیده و سال آینده را نیز به عنوان سال پر چالش عنوان نموده است. چنانچه در سال جاری نیز با نزدیک شدن سال نو نگرانی ها در مورد امنیت کشور افزایش پیدا کرده است. پرسش اساسی مردم این است که حکومت در سال آینده چه ابتکاری و مدیریتی را برای بهبود بخشیدن به وضعیت کلی کشور و بویژه وضعیت امنیتی روی دست دارد؟ اما متأسفانه مقامات حکومتی پیشاپیش هشدار می دهند که سال آینده دشوارترین سال برای افغانستان خواهد بود. بدنیال آن مقام های نیروهای ناتو و امریکایی نیز از خونین بودن سال آینده سخن می گویند. برآستی اگر چنین است داعیه مبارزه با تروریسم چه بوده است؟ نتیجه و دست آورد آن چیست؟

حقیقت امر آن است که پس از جنگ دوم جهانی، بزرگترین و مهم ترین اجماع بین المللی که صورت گرفته است، شکل گیری جبهه یا ائتلاف بین المللی است. هدف: مبارزه با تروریسم، ایجاد امنیت در افغانستان و همکاری در باز سازی آن کشور. اما با وجود این، به اعتراف رهبران همه

رهبران این ائتلاف بین المللی و زمامداران داخلی تمامی تلاش ها و کوشش هایی که در راستای دست یابی به اهداف یاد شده بکار رفته است به نتیجه مطلوب و دلخواه نرسیده است. در طی چند سال گذشته همه امیدواری های مردم افغانستان که از جنگ و تداوم بحران بستوه آمده بودند به ناامیدی بدل گشت، فرصت های بلند تاریخی کشور هدر رفت، حمایت های بین المللی و کمک های عظیم جهانی در یک بی سرنوشتی مطلق ناپدید گشت. تا امنی، خشونت، فقر، فساد، نقض حقوق انسانی، قطب گرایی های کاذب و تفرقه افگانه و ... در وسیع ترین و فجع ترین صورت ممکن، مردم افغانستان را دوباره بگام خود کشید و حتی تهدید جدی گردید برای منطقه و جهان. اسما در روزهای اخیر شاهد تلاش هایی هستیم که حکایت از آن دارد که برخی از اعضای جامعه بین المللی بخصوص ایالات متحده امریکا پس از یک دوره رخوت و سستی، سردرگمی و پریشانی، بلا تکلیفی و بی تصمیمی ظاهر بخود نکاتی داده اند

علیه اشتباه نیست - وقتی یک نمایش شعبده بازی را نگاه میکنیم، تقریباً همه حضار نصف نصف بدن دستیار شعبده یاد اره را مشاهده می کنند. بنابراین میان برهای شهودی باید به دقت مورد بررسی قرار بگیرند. هنگامی که متوجه می شویم گمراه شده ایم، به جای دور انداختن شهود اولین کاری که باید انجام بدهیم، تغییر آن است. شعبده باز از غریزه ما برای پر کردن جزئیات مفقود و جلب توجه ما به بخشی محدود از صحنه نمایش سواستفاده می کند ولی ما نمی خواهیم به طور کلی دست از این این گونه کارها برداریم، چرا که در شرایط عادی باعث می شوند بتوانیم موثرتر عمل کنیم. مانند خرچنگی که پوست می اندازد، میخواهیم ساختار طبیعی را حفظ کنیم ولی به شکلی تکثیرش دهیم که اجازه رشد کردن بدهد. وجهه پراگماتیک اینشتین در رویکردش به دین هم مشهود است. از نظر او اغلب ادیان ترکیبی از بینش های ارزشمند و ناخالصی هاست. «ناخالصی» احتمالاً به عوامل خرافی اشاره دارد که اگر به ارزش ظاهری آنها بنگریم اعتبار جهانی قوانین طبیعت و «بینش های ارزشمند» نسبت به درس های اخلاقی که توسط شخصیت های دینی ارائه شده اند را نقض می کند. او در سال ۱۹۲۷ نوشت «فراموش نکنیم که دانش و مهارت به تنهایی نمی تواند بشریت

بجای هشدار بحران را مدیریت کنید!

شکور



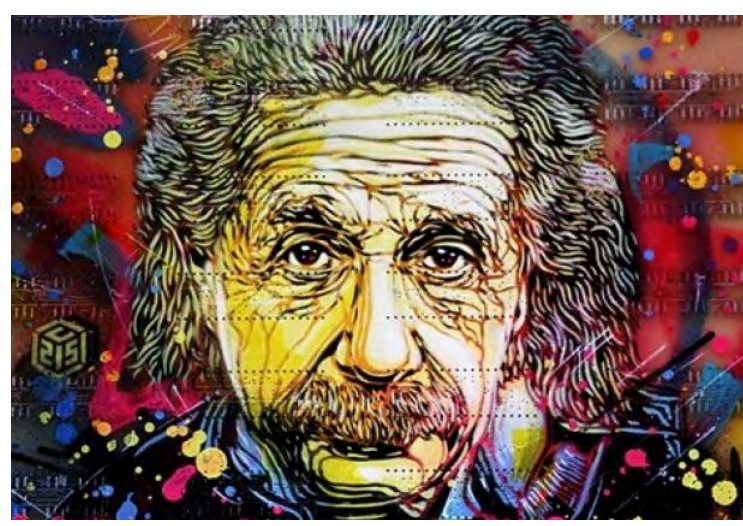
اعتراف نمودند: برای بحران این موارد و نیز پیشگیری از وخیمتر شدن اوضاع آمادگی همه جانبه خود را برای حضور مؤثر در افغانستان و یاری رساندن مردم آن به صلح، ثبات، امنیت، سازندگی و ... اعلام داشته و تعهد سپرده اند. بدون شک رویداد های یاد شده همانگونه که با استقبال جهانیان و بخصوص سازمان ها و نهادهای بین المللی مواجه شده است، مردم افغانستان نیز از آن استقبال می نماید. اما این خوش بینی ها و استقبال مانع از طرح این پرسش نیست که چه تضمینی برای عملی شدن مفاد استراتژی اعلام و کنفرانس های برگزار شده و گفتگوهای صورت گرفته وجود دارد؟ آیا این بار هم مانند سال های قبل، این همه وعده های میان تپه نخواهد بود و به زودی در میان گرد و غبار سیاست گم نخواهد شد؟ رشته های امیدواری که مردم افغانستان را نسبت به آینده پیوند دهد چیست؟ راههای جلب اعتماد عمومی در تحقق یافتن آنچه که در برنامه های اعلام

در یافته اند که اگر بیش از این اهمال و غفلت صورت گیرد، علاوه بر اینکه فرصت های باقیمانده هم از دست خواهد رفت، دشمنان صلح، عناصر خشونت گرا و گروه های تروریست فرصت خواهند یافت که دوباره بر مقدرات مردم افغانستان سلطه یابند و سرنوشت جهان را با تهدید جدی مواجه گردانند. اظهار نظرها و کوشش های تازه ای برحسب ظاهر نشانه آنست که جامعه جهانی عزم بر آن دارد که اهداف اساسی خود را، یعنی مبارزه با تروریسم، استقرار صلح و ثبات در افغانستان و کمک به مردم افغانستان برای سازندگی کشور شان، تحقق بخشند. این که مقام های امریکایی اعلام داشته اند که به حضور خود در افغانستان ادامه خواهند داد و حکومت آن کشور در عرصه مالی و نظامی حمایت خواهند نمود می تواند خبر خوبی تلقی گردد. در واقع محوری این اظهارات چنین ایجاب می نماید که حامیان بین المللی افغانستان و زمامداران کشور به نواقص، کاستی ها و اشتباهات خویش

شده و کنفرانس های یاد شده آمده است، در چه چیزی می توان جستجو نمود؟ و ... واقعیت اینست که اینک بار دیگر هم جهان و هم حکومت افغانستان در یک امتحان دیگر قرار گرفته اند. آنچه برای مردم و جهانیان امکان پذیر می باشد اینست که مجبور اند برای نجات از بحران اخیر، چشم امید و یاری به آنچه گفته شده است داشته باشند. آینده نشان خواهد داد که برنامه ها و اهداف گفته شده تا چه اندازه عملی خواهد گردید. اما قبل از آن یاد چند نکته ضروری به نظر می رسد: نکته اول اینست اگر عزم جامعه جهانی جدی است و تعهد سپرده است که افغانستان را در رسیدن به اهدافش یاری رسانند؛ راه در پیش گرفته شده را با وجود حکومت بی کفایت، فقدان یک استراتژی ملی، وجود فساد گسترده و عمیق در درون دستگاه قدرت، وجود مناسبات غیر عادلانه در ساختار سیاسی، فقدان توانمندی و ظرفیت در درک از وضعیت و فرصت های جهانی برای افغانستان و حفظ رویکرد همکاری افغانستان و جهان و ... چگونه می توان انتظار داشت که اهداف و دیدگاههای مطرح شده تحقق یابد؟ نکته دوم در اینست که آیا جامعه جهانی واقعا در آنچه گفته است و پیشنهاد داده است، و در استفاده از تجارب سسالهای گذشته برای زودن نقایص و کاستی و بیش بردن روند مبارزه با تروریسم صادق و جدی باقی خواهد ماند یا این مرحله نیز بخشی از تبلیغات و هیاهوی مطبوعی خواهد بود؟ نکته سوم و نهایی اینکه اگر عزم و اراده جهان برای تحقق برنامه ها و اهداف یاد شده جدی و صادقانه باشد، در داخل کشور نیز باستانی بستر و زمینه مناسب، قابل اعتماد و صادقانه برای بهره برداری از فرصت مجدد پیش آمده به نفع کشور و منطقه فراهم گردد. این همه باورده نخواهد شد مگر اینکه در برنامه ها، ساختار قدرت و مناسبات موجود نیز تجدید نظر صورت گرفته، نیروهای سیاسی ومدنی سهم باز و فاعلتری در چشم انداز آینده داشته باشند.

اخلاق از منظر اینشتین

چینگ هونگ وو / برگردان: زهیر باقری نوع پرست/قسمت پایانی



ذهن جستجوگر و سازنده است. پیشهاد اصلی اینشتین برای رفتار اخلاقی - اینکه تمایل طبیعی خود به خودبینی را کنترل کنیم - به هیچ عنوان را دیگران به نظر نمی آید: در طول اعصار علیه خودبینی توسط معلمان اخلاق وعظ شده است. ولی

سخن گفتن از خودداری از عمل کردن به آن بسیار آسان تر است، و شونینسیم در مقیاس بزرگ همچنان خطری جدی است: به رغم پایان جنگ سرد، باشگاه هسته ای به آرمی در حال گسترش است. هنگامی که اینشتین عنوان کرد بقای بشریت نیازمند اخلاق است، ناپایداری صلح را در ذهن داشت. آیا ورود دیدگاهی علمی در رابطه با علیت در ملاحظات اخلاقی کمکی می کند؟ یا صرفاً فضل فرشی است؟ شاید تاکید اینشتین بر عدم وجود خوشتن خودمختار در کوتاه مدت به لحاظ عملی مفید نیست: ولی شاید در طولانی مدت باشد. در نهایت حقیقت مستولی خواهد شد. برخی از مطالعات مغز نشان می دهند که به چه آسانی ما حرکت های خود را به اشتباه به اراده خود نسبت می دهیم در حالی که در واقع نشان داده میشود که آنها علت های دیگری دارند. همانطور که تأثیرات تردستی زمانی موجب حیرت نیاکان ما میشد ولی الان حتی کودکان هم فریب بودن آن شعبده ها را متوجه می شوند، مفهوم خوشتن خودمختار در نهایت توسط اغلب افراد به عنوان یک فریب شناسایی خواهد شد. این شناخت تعارض های انسانی را پایان نخواهد داد، ولی شاید کمک کند امیال خودخواهانه و التهاب شونینسیم ما فروکش کند.

افغانستان و چالش صلح با مخالفان

محمد رضا رها

توان به بحث ها و کشمکش های سیاسی پیرامون مسئله حضور نیروهای امریکایی در افغانستان و پرسش دست آورد این حضور در جامعه امریکا اشاره داشت. آنچه برای مردم ما مهم به نظر می رسد اینست که برآستی راه رسیدن به صلح چیست؟ چرا این منازعات خونین پایان نمی یابد؟ این منازعات با اینکه رو به کاهش نیست بماند؛ چرا روز بروز بر دامنه و هیمنه آن افزوده می شود؟ مشکل کار در چیست؟ در باورمندی به صلح و ایده نفرت از جنگ تردیدی وجود دارد؟ آیا میکانیزم رسیدن به صلح ناقص است؟ و ... واقعیت اینست که دستت یابی به صلح و امنیت اینست که در ذات انسان نهفته است، ضرورت های زندگی اجتماعی، بویژه در جهان امروز که هم زندگی پیچیده شده است و هم سطح دانش و آگاهی آن نسبت به زندگی افزایش یافته است، از جانب دیگر چالش ها و موانع طبیعی و غیرطبیعی نیز افزوده شده است؛ همه ایجاب می نماید که انسان امروز به جدیت و قاطعیت تمام در جستجوی صلح باشد.

یکی از موضوعات و مباحث داغ روز کشور مسئله تامین صلح است. با گذشت چندین سال از استقرار نظام جدید سیاسی و حضور گسترده جامعه بین المللی، هنوز موضوع تامین امنیت و با استقرار صلح در کشور در صدر مسایل قرار دارد. بدون شک استقرار صلح در کشوری که بیش از سه دهه در جنگ و بحران بسربرده است، امری نیست که بصورت دفع الوقت و آنی تحقق یابد. اما عدم چنین انتظاری این مسئله را نیز ایجاب یا توجیه نمی نماید که پس از ده سال هنوز کشور در بحران ناامنی قرار داشته باشد. اوضاع عمومی، بویژه روند بازسازی تحت تاثیر آن قرار گیرد. به معنی دیگر اوضاع جاری به دلیل گسترش ناامنی و شدت فعالیت مخالفین و وسعت جنگ، کاملاً با بن بست مواجه گردیده است. مسئله تداوم خشونت و افزایش روز افزون آن نه تنها در داخل کشور باعث ایجاد بحران های متعدد گردیده است، بلکه بگونه ای سیاست و عملکرد برخی از اعضای جامعه جهانی را در نزد افکار عمومی آن کشور ها نیز زیر سوال قرار داده و تنش هایی را بوجود آورده است. از جمله می

دستگاه قدرت کمای نماید. انگیزه ها و اهدافی که دولتمداران برای دست یافتن به صلح در پی آن هستند، ممکن است در کلیات و داعیه ها با توده مردم اشتراکاتی داشته باشد، اما در جزئیات و وضعیت عینی و تطابق دادن آن متفاوت می باشد. مردم صلح را برای تمام افغانستان می خواهند. صلح بایستی بستر مناسبی باشد که همه افراد این کشور بتوانند در پر تو آن بخوبی و با عزت زندگی نمایند. کنورت، خصومت، تبعیض و بی عدالتی، برتری جویی و امتیاز خواهی از صفحه زندگی رخت بر بندد. قانون و عدالت در همه زمینه ها، بویژه در زمینه برخورداری از حقوق قانونی و امکانات ملی یکسان حکم نموده و اجرا گردد. دستت یابی به صلح برای مخالفین زنگ بیدار باشی باشد که خود را از جنبه و اسارت قدرت ها و عناصر خارجی و سازمان های استخباراتی نجات دهند. از اینکه عده ای بنام مخالفین صلح در برابر مردم و جامعه خود قرار گرفته اند، راه خود را جدا نموده و در کنار مردم خود ایستاده شوند. بجای اینکه جاده ها و اماکن عمومی و عام المنفعه را تخریب نمایند، در باز سازی وطن مصیبت زده شریک و هم نو گردانند. چرخ اقتصاد و زندگی جمعی را با توان همدیگر پیش ببرند و مجالی برای سنگ اندازان باقی نگذارند. و...



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

روزنامه امتیاز: دکتر حسین یاسا | مدیرمسئول: محمد رضا هویدا | سردبیر: حفيظ الله ذكي | کاریکاتوربست: خالق علی زاده | دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری | مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان | آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine